

ارزیابی و تبیین راهکارهای اعتلای حس مکان، حس تعلق مکانی و معنویت مکان در معماری مساجد اسلامی نمونه موردی: مسجد نوین شهر دیواندره

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۵۰۸۶۲

فرخ عبودی^۱، محمد رضا پاکدل^۲

چکیده

حس مکان، حس تعلق مکانی و هویت مکان از مهم‌ترین بحث‌های معماری معاصر است. مسجد به مثابه کانونی عبادی-اجتماعی برای ادامه حیات پویا نیازمند ارتباطی قوی با حوزه کارکردی خود است. این ارتباط با زمینه از طریق پیوندی انسانی، کالبدی و طبیعی با محیط بیرونی محقق می‌شود. مسجد در فرهنگ اسلامی جایگاه ارزشمند و نقش مهمی در نظامهای اجتماعی دارد. مساجد در معماری اسلامی از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار هستند تا حدی که در انگاره‌های عمومی، معماری اسلامی با معماری مساجد شناخته می‌شوند و گویی اگر مسجد را از معماری اسلامی بگیریم چیزی از آن باقی نمی‌ماند. بنای جامعه اسلامی بر محوریت مسجد گذاشته شده است. مسجد با کارکردهای متعدد خود در ابعاد مختلف اجتماعی و با تأکید بر جنبه معنوی، نقشی هدایت‌کننده برای انسان‌ها به سوی خداوند متعال دارد. مسجد به عنوان نماد اسلام و شکوه و عظمت معماری اسلامی باید خود به تنها یک تبیین‌کننده شاخصه‌های دین اسلام مانند توحید، نبوت، مبدأ و معاد، آرامش پاد خدا، ذکر، عدم دلبستگی به زرق و برق مادی و... باشد. مجموعه‌ی این موارد یاد شده، حس معنویت را در مسجد ارتقا می‌بخشد که نیاز به تحلیل فنی، کار علمی و ارائه راهکارهای خردمندانه دارد. در تحقیق حاضر ۱۰ مسجد جدید‌الاحداث در شهر دیواندره (استان کردستان) مورد بررسی قرار گرفته است. پس از بازدید میدانی و استخراج شاخصه‌های معماری اسامی که در ساخت مساجد مذکور به کار رفته، تحلیل و بررسی نقاط ضعف و قوت هر مسجد با روش SWOT انجام گرفته است. شاخص‌های ارزیابی حس معنویت مشخص گردیده و طی پرسشنامه‌ای بین کاربران مساجد توزیع گردیده است در نهایت نمره‌ی حاصله از نظرات پاسخ‌دهندگان مشخص شده و ۱۰ مسجد باهم مقایسه گروهی شده‌اند تا مشخص گردد که مساجدی که دارای نمره‌ی بالایی بوده‌اند، چه اصولی در آن‌ها رعایت شده است و آیا می‌شود نقاط ضعف طراحی و اجرای معماری مساجد را به قوت و تهدید را به فرست تبدیل کرد؟ نتایج تحقیق می‌تواند معماران را نسبت به حساسیت موضوع آگاه نماید تا با راهکارهایی کوتاه‌مدت بتوانند حس معنویت مساجد فعلی را ارتقا بدهند و همچنین در طراحی مساجد آتی اصول حس معنویت مساجد را رعایت نمایند.

واژگان کلیدی: حس مکان، حس تعلق مکانی، معنویت، معماری، مسجد، دیواندره

۱- دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
farokhobodi@gmail.com

۲- استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران

۱- مقدمه

مسجد، مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه اسلامی و محور دیگر نظمات و نهادهای اجتماعی به شمار می‌آید؛ به طوری که نوع رابطه و تعامل با این نهاد مقدس، معنا و جایگاه دیگر نهادهای اجتماعی، در جامعه اسلامی را معین می‌کند. بی‌تردید، در چنین ساختاری، مسجد می‌تواند همه ظرفیت‌های خود را برای نقش‌آفرینی مطلوب در جامعه اسلامی به کار گیرد و تأثیرگذار باشد. در تجربه تاریخی و اجتماعی مسلمانان بهویژه در صدر اسلام، نمونه‌هایی از این نقش‌آفرینی یافت می‌شود. مساجد به عنوان بارز ترین بعد چهروی اعمای اسلامی باید دارای حس مکان بوده و حس تعلق مکانی را در انسان‌ها ایجاد نمایند. معماری مسجد باید آنقدر متمایز باشد که نماز گزاران و عابدان بدانند در یک مکان متفاوت قرار گرفته‌اند. دلیستگی و حس تعلق به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند. تأثیر حسی، عاطفی و درونی مکان بر انسان، مرکز تفکر دلیستگی به مکان می‌باشد. چرا که انسان‌ها می‌توانند به یک شی، خانه، ساختمان، محله و یا یک قرارگاه طبیعی جذب شوند (low & Atman, 1992). دلیستگی به مکان برخاسته از ارتباطات حسی فرد با مکان بر پایه «خود» و فعل و انفعالات درونی او در هنگام مواجهه با مکان می‌باشد. به میزان تعلق اجتماعی فرد نیز بستگی دارد. تا آنجا که این واژه معادل واژه هایی چون دلیستگی اجتماعی و حس تعلق اجتماعی و حس مکان نیز به کار می‌رود (et al, 2004;216). از سوی دیگر دلیستگی مکانی زیر مجموعه از سطوح مختلفی می‌باشد که این سطوح به سطح بالاتری یعنی حس مکان می‌رسد، از طرفی طبق، طبقه بنده شامای، دل بستگی مکانی، سطح چهارم حس مکان می‌باشد که این سطح را این گونه تعریف می‌نماید، در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردی است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد. در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود. دلیستگی مکانی، در بین افراد و محیط‌های معنی دار، پیوند رخ می‌دهد و بسیار مورد توجه علمی قرار گرفته است (Giuliani, 2003؛ Giuliani, 1992 و Giuliani, 1992 و Altman, 1996). دلیستگی به مکان‌های با کیفیت متمایز اجتماعی یا فیزیکی افزایش هویت و تقویت اعتماد به نفس را در پی دارد (Twigger, ross &uzzell, 1996 و Twigger, ross &uzzell, 1996). دلیستگی به مکان یا دلیستگی مکانی مفهومی چند بعدی پیچیده و بین رشته‌ای است که جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم با مکان را در هم می‌آمیزد. این مفهوم در طول چند دهه گذشته مورد توجه سیاری از محققان در رشته‌های علمی (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، مردم‌شناسی) قرار گرفته است (هیومان، ۱۹۹۲. ترتلمن، ۲۰۰۹. ویندسانگ، ۲۰۱۰). دلیستگی به مکان و احساس تعلق به آن، در افراد این انگیزه را ایجاد می‌کند که به احیا و نوسازی همه جانبه محیط‌های محلی پردازند. احساس تعلق و مشارکت می‌تواند زمینهٔ مساعدی برای ایجاد دموکراسی فراهم سازد و اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را در اجتماع محلی با توفيق چشمگیر همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (فکوهی، ۱۳۸۹. افروز و سفیری، ۱۳۸۳). معلمان، شهرسازان و مهندسین طراحی لازم است در طراحی معماری مساجد به این مورد مهتمم توجه نمایند چرا که اگر طرح‌های پیشنهادی آنان خالی از حس تعلق مکانی باشد، نمی‌تواند مسجد را به جایگاه واقعی خود برساند.

۱- نهادهای اجتماعی
۲- فضای مکانی
۳- تأثیر عاطفی
۴- تأثیر حسی

۲- مبانی نظری

از زمان ساخت اولین مسجد بدست پیامبر خدا تا امروز، معماری مساجد دستخوش تغییراتی شده اما پایه اصول مسجد، بنا به هویت عبادی که دارد ثابت بوده است. انتظاری که انسان از دین مسجد و حضور در آن توقع دارد، در طی قرن‌های متعدد، به دلیل مقاومت اولیه‌ای که در ساخت اولین مسجد بکار گرفته شد و بعدها بست و گسترش یافت، همواره القای حس معنویت، آرامش و توجه به معبود می‌باشد. فرم فضای معماری مساجد با چیزی خاص عناصر آن، این مهم را برآورده می‌سازد. از آنجا که مسجد خانه خداست، جایگاه قنسی است که می‌باید محل ظهور و تجلی صفات الهی باشد تا بدینوسیله بر جان و قلب انسان اثر گذاشته و ارتباط او را با نیروی ماورایی استحکام بخشد. معماری مسجد به عنوان یکی از شاخص ترین بنای‌های اسلامی در شکل نهایی خود مناسبترین فضا برای خودسازی و سیر انسانها از زندگی مادی و طبیعی به زندگی ملکوتی می‌باشد؛ اما در عصر حاضر با توجه به نگاه مدرن به معماری، گاهان نظریات و طراحی‌های متفاوتی ارایه می‌گردد که به لحاظ ماهیت دچار خلا بوده و نمی‌تواند آنگونه که باید پاسخگوی نیاز جامعه باشد. معماری مساجد نیز از این قاعده مستثنی نیست. در رشته‌های علمی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اصطلاحات تعلق به مکان، تعلق به اجتماع، ساختار عاطفه و معنا و تجربه، مهمنترین مباحث مطرح شده درباره حس مکان هستند. تعلق مکانی به این معناست که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده اند و رشد کرده اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که به طور کلی حس مکان نامیده می‌شود، مردم را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و هویت و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. مکان، جای قسمتی از یک فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارد صاحب هویت خاصی می‌شود (افشار نادری، ۱۳۷۸، ۱۳۷۸). مکان محتوا دارد، ولی فضا نوعی خلا است. مکان بسیار آسان تر از فضا مرز پذیر و قابل تحدید است، در حالی که فضا بی مرکز است و به نامتناهی بودن گرایش دارد (سرمست، ۱۳۵، ۱۳۵). هر شبیه‌ی که در یک مکان قرار دارد طبعاً رابطه‌ای متقابل و عکس العمل بین سه عامل رفتار انسانی، مقاومت، مشخصات فیزیکی باعث ایجاد مکان می‌شود. از نظر رlef مکان در کیفیت بی همتای خود قادر است مقاصد، تجربیات و رفتارهای انسان در فضا را منظم و

متمرکز سازد. او مکان و فضا را در دیالکتیکی پویا تصور می کند که تجربیات انسان از محیط را می سازد (Seamon, ۲۰۰۸, ۴۵). حس تعلق عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می شود. این حس علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می گردد، باعث دست یابی به هویت برای افراد نیز می شود. در عین حال، حس تعلق مکانی مفهومی پیچیده از احساسات و دلستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انتلاق و استفاده انسان از مکان به وجود می آید. از نظر کریستین نوربرگ شولتز تعلق مکانی در مکانهایی یافت می شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهایی ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است (Norberg, 1997, Schuls).

۳- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر روش تحلیلی با آنالیز فنی میدانی می باشد که در آن ۱۰ مسجد جدیدالاحداث شهرستان دیواندره انتخاب شده و در مورد آن سوالات مرتبط طراحی شده و پس از تجمیع پرسشنامه ها در فضای SPSS تحلیل خواهد شد تا شاخص های اصلی استخراج شده و سپس با روش ای اچ پی وزن دهی می شوند تا اولویت های اصلی و راهکارهای اعتلای حس معنویت جهت بکارگیری در ساخت مساجد ارایه گردد. در این تحقیق بخش اصلی داده ها از طریق پرسشنامه گردآوری گردید. این تحقیق دارای دو پرسش نامه بود ابتدا پرسش نامه شماره (۱) برای متخصصان تهیه شد که نقاط قوت، ضعف، فرست ها و تهدیدهای مساجد جدید الاصدات در چهار بعد معنوی، اقتصادی، اجتماعی و مکانیابی را در سه طبق قوی متوسط و ضعیف مشخص نمودند. ۳۰ نفر به این پرسشنامه پاسخ داده اند. همچنین پرسیده شد که در حال حاضر وضعیت کنونی مساجد جدید الاصدات را چگونه ارزیابی می کنید و بر اساس آن نقاط قوت، ضعف، فرست ها و تهدید ها را مشخص نمایند. سپس پرسش نامه متخصصین تحلیل و شاخص ها وزن دهی، استاندارد و نهایتاً رتبه بندی شدند. بر اساس این نتایج پرسشنامه شماره ۲ طراحی شد که برای عموم مردم با استفاده از طیف بندی لیکرت میزان رضایت آنها از حس تعلق مکانی و معنویت مسجد سنجیده شد.

جدول ۱- تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق (تنظیم: نگارنده، ۱۴۰۰)

ردیف	شاخص	گویه
۱	شاخص های معنوی	آرامش(رنگ بنا، کیفیت بنا و قدرت جذابیت بنا)
		نبوت، مبدأ و معاد
		یاد خدا
		توحید و ذکر
۲	شاخصهای مکان یابی	راه دسترسی(کیفیت و استاندارد بودن راه)
		شبکه معابر(کمیت و کیفیت معابر درجه یک تا چهار)
		نظم هندسی طراحی(نظم طراحی کالبدی)
		متناسب بودن با کاربری های مجاور
۳	شاخص های اقتصادی	ارزش اقتصادی زمین محل احداث مسجد
		مستقل بودن مسجد
		موقعات مسجد
		هزینه های نگهداری مسجد
۴	شاخص های اجتماعی فرهنگی	میزان جذب نماز گزاران(طبقه اجتماعی، کمیت و کیفیت)
		نماد گرایی
		مقبولیت اجتماعی و فرهنگی بنا
		پاسخگویی بنا به نیازهای اجتماعی

۴- چارچوب تحقیق

۴-۱- سوالات تحقیق

- با چه روش ها و راهکار هایی می توان حس معنویت را در مساجد جدید الاصدات تقویت نمود؟
- نقاط ضعف، نقاط قوت، فرست ها و تهدیدهای طراحی و اجرای مساجد جدیدالاحداث ما را به چه نتیجه ای می رساند؟

۲-۴- بیان مسئله

معماری به صورت ابزاری برای پاسخگویی به نیازهای انسان است و در این زمینه مساجد به عنوان یکی از جلوه‌های معماری اسلامی سهم ویژه‌ای در پاسخگویی به نیازهای روحی انسان بر عهده دارد. مساجد در گذر زمان دارای اصولی واحد برای ایجاد سلسله مراتب هستند. هر مکانی که طراحی و اجرا می‌شود صرف نظر از کالبد مستحکم و موزونی که خواهد داشت باید دارای روح مکان بوده و قادر باشد مرتبط با کاربری که دارد، حس مناسب با آن را نیز القا نماید. مسجد مکانی برای دعا و نیایش و ارتباط با پورورگار می‌باشد ضمن اینکه مسجد باید محکم و زیبا باشد رسالت انتقال این حس را نیز به دوش می‌کشد. مساله ای که وجود دارد این است که اخیراً مساجدی که ساخته می‌شوند بدون توجه به حس معنویت و صرفاً به عنوان جبران یکی از کاربری‌های شهری طراحی و اجرا می‌گردند که این مشکل می‌تواند ابهت و کارایی مساجد را تنزل دهد. پس لازم است در تحقیق‌های علمی راهکارهای تقویت حس معنویت بررسی شده و پیشنهاد های لازم ارایه گردد. در سالهای اخیر باب شده که در طبقات پایینی مساجد، مغازه‌های تجاری ساخته می‌شود تا بتوانند بعد از کارایه‌ی این واحدها هزینه‌های جاری مسجد را تامین نمایند این کار از نظر اقتصادی مناسب به نظر می‌رسد اما باید طوری برنامه ریزی شود که کاربری این واحدها نیز مرتبط با کاربری مسجد باشد و به ابهت و حس معنویت مسجد لطمه نزند؛ مثلاً وجود یک مغازه مکانیکی یا صافکاری خودرو با آلودگی صوتی و بصری در بدنها ی ساختمان مسجد می‌تواند حس معنوی و تمرکز نماز گذاران را به هم بربزد. لذا لازم است فضای داخلی، معماری، مکانیابی، کاربری اراضی و... در راستای تقویت اعتلایی حس معنویت مسجد باشد. دلیستگی مکانی پیوندی است که بین افراد و محیط‌های معنادار آنها رخ می‌دهد و در سال‌های اخیر توجه محافل علمی زیادی را به خود جلب کرده است که مسجد نیز یکی از این مهمترین مکان‌ها می‌باشد. این پیوند عاطفی، با خاطرات، تجربیات و حوادث مهم زندگی اشخاص مرتبط است. Scannell & Gifford, 2010:1

مقیاسهای جغرافیایی مختلف مورد بررسی قرار گرفته؛ که می‌توان به یک اتفاق در یک خانه، یک شهر، یا جهان اشاره کرد؛ و بطور معمول به دو بخش دلیستگی از نظر اجتماعی و دلیستگی از نظر فیزیکی قابل تقسیم می‌باشد. افراد مختلفی نیز توصیف کرده اند که دلیستگی مکانی، فیزیکی، اجتماعی و ترکیبی از هر دوی اینها می‌باشد. دلیستگی اجتماعی، یا که «همبندی» شامل روابط اجتماعی، تعلق به محله و آشنازی با ساکنان همکار و کودکان محله و دلیستگی فیزیکی یا «ریشه» با طول مدت افامت پیش‌بینی شده، مالکیت و برنامه‌های ماندن در ارتباط می‌باشد (Gifford, 2010:scannell, 2010). در حالی که بیان می‌شود بعد اجتماعی پیوند مکانی قوی تراز بعد فیزیکی آن می‌باشد (Gifford, 2010:scannell, 2010:32) ولی هیدالگو و هرناندز با تأکید بیان کردنند که وابستگی‌های فیزیکی و اجتماعی هر دو تمام پیوندها را تحت تاثیر قرار می‌دهند و آن سطح فضایی باید هنگام اندازه گیری دلیستگی مکانی پیشنهاد شود (Riger and Lavrakas 1981) بنابراین دلیستگی مکانی به دو بعد کالبدی و اجتماعی تقسیم می‌شود. مساله‌ی مورد نظر در این پژوهش، بررسی راهکارهای ارتقای حس تعلق مکان در مسجد است. مشکل آنچه است که در بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های ریزی‌ها به حس تعلق مکانی مسجد و ساختهای معنوی توجهی نمی‌شود و بدون در نظر گرفتن این عامل مهم مساجد طراحی و اجرا می‌شوند. با توجه به بررسی‌های اولیه در شهر دیواندره مشاهده شده که در مساجد جدید الاحادیث خیلی کم به حس تعلق مکانی و ساختهای معنویت بخش به مساجد توجه شده است. حال تحقیق حاضر می‌کوشد ضمن پاسخ‌گویی به چرایی این مشکل، راهکارهایی برای اعتلایی حس تعلق مکانی و معنویت مساجد جدید الاحادیث را ارائه نماید.

۳-۴- اهداف تحقیق

برجسته سازی و بازآفرینی معماری و تبیین نقش آن در معماری اسلامی رسیدن به راهکارهای دقیق علمی و اجرایی در ساخت مساجد جدید الاحادیث کاربرد داشته باشد.

۴-۴- اهمیت موضوع تحقیق

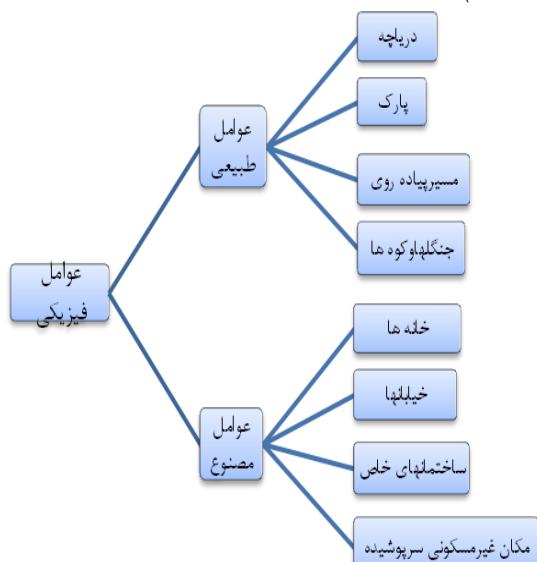
موضوع تحقیق حاضر یکی از مباحث تخصصی رشته معماری می‌باشد که با کمک هنر - شعر و روشناسی و... می‌کوشد حس معنویت را اعتلا بخشد. نتیجه این تحقیق می‌تواند به طراحی بهتر مساجد که نتیجه ارتقای جایگاه مسجد و معنویت در جامعه و دوری از بزه کاری می‌باشد از موضوعی کاربردی محسوب شده و لازم است در مورد آن مطالعات میدانی دقیقی انجام شود.

۵- معرفی بر پیشینه رویکرد پدیدار شناسانه حس مکان

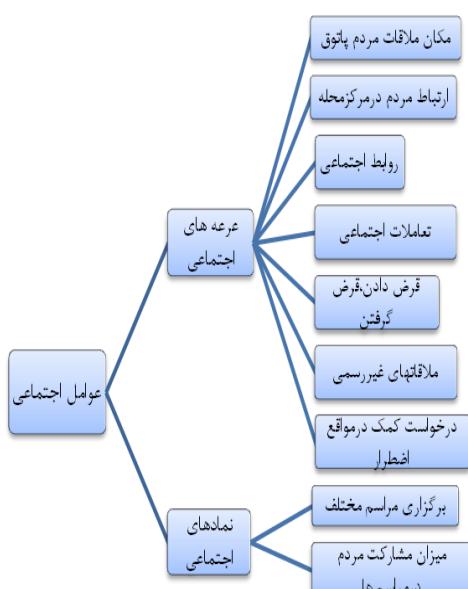
رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکانه‌ای پراهمیت جلوه می‌کنند. علت افتراق مکانها، تمرکز ارزشها، دیدگاهها، هدفها و تجربه‌های مختلف در آنهاست. از این‌رو، مکانها عوامل اصلی در سامان‌مندی تجربیات و قضاوتهای ما از

جهان می باشد(مومنی، ۱۳۹۰) رلف مکان را ترکیبی از اشیاء طبیعی و انسان ساخت، فعالیتها و معانی می داند که تجربه آن می تواند در مقایس وسیع از یک اتاق کوچک تا یک قاره را در برداشته باشد. از نظر وی مکان واحد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیتها و معانی باشد که آن را از حالت یک فضا خارج و به یک مکان با یک تجربه ذهنی برای فرد تبدیل می کند(مطلبی، ۱۹۳۳). مکان را می توان تجربه عرصه‌های درونی در برابر عرصه بیرونی دانست که دربرگیرنده جهات گوناگون و تعدادی گشودگی میباشد. بر این اساس پدیده مکان، محمل گردآوری گونه گونی چشم اندازها میباشد تا تمایز در محیط و احساس خاص محلیت را میباشد. کتاب مکان و بی مکانی بر این نکته اشاره دارد که مکانها را ترکیبی از نظام طبیعی و نظام انسانی میداند و هویت و کاشانه و اجتماع را مفاهیمی اساسی در اینباره میداند. از نگاه پدیدارشناسان حوزه جغرافیای انسانی حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تاثیرگذار میان مردم و مکان با اجزای تشکیل دهنده آن است که این پیوند به مکان کند، یعنی محتوای بالقوه محیط را به فعل در آورد. رلف در وجود آورد. رسالت معماری نیز آن است که جایی را تبدیل به مکان کند، یعنی محتوای بالقوه محیط را به فعل در آورد. رلف در کتاب مکان و بی مکانی بر این نکته اشاره دارد که مکانها را ترکیبی از نظام طبیعی و نظام انسانی میداند و هویت و کاشانه و اجتماع را مفاهیمی اساسی در اینباره میداند. از نگاه پدیدارشناسان حوزه جغرافیای انسانی حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تاثیرگذار میان مردم و مکان با اجزای تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط میگردد و با گذر زمان عمق و گسترش بیشتری میباشد از نگاه این رویکرد، تجربه اصلیترين رکن ادراک مفاهيم و معنای یک مکان است و لذا معنا در یک مکان، ارتباط مستقیم با نحوه ادراک انسانی و مقولات مربوط به آن دارد. تحقیقات به عمل آمده نشان میدهد که هرچه مدت ارتباط افراد با یک مکان بیشتر میشود، به همان نسبت شناخت و ادراک انسانها از آن مکان افزایش یافته و امکان ایجاد معنای تعلق در محیط نیز افزایش میباشد رلف با بیان ارتباط ادراک با تجربه از مکان، اعتقاد دارد که در حس مکان انسانها مفهومی فراتر از خصوصیات کالبدی و عناصر کالبدی در یک مکان را درک میکند و به نوعی پیوستگی و ارتباط ممتد با روح مکان را احساس مینمایند. وی با بیان این امر به ارتباط اساسی و جدایی ناپذیر مفهوم حس مکان با جنبه های انسانی اشاره داشته و اعلام میدارد آنچه که یک فضا را به یک مکان تعالی میبخشد، آنسته شدن آن با معانی و مفاهیم عمیق است که در طول زمان گسترش و عمق پیدا میکند. از این رو مکان موردنظر در تعریف رلف حاصل معانی است که در طول زمان و با ادراک به دست می آید. این تعریف مفهومی از مکان در طول زمان و ضرورت شکل گیری معنا ناشی از تعامل و ادراک انسانی در بستر زمان، مسئله ای است که به بعدی از حس مکان اشاره می نماید که عمدتاً به بعد ناآگاهانه و ادراکی تجربه افراد دلالت دارد که از آن به وابستگی و حس تعلق تعبیر میشود که حس به صورت ریشه دار تجربه می شود و بخش های اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد. رلف از این حس به عنوان نقطه امن اتکایی فرد از دنیای اطراف خود اشاره می کند و تعلق مهم روحی روانی فرد به مکان خاص را نتیجه این احساس بیان می کند. این حس تعلق که از سوی جغرافیدانان پدیدارشناس به نام مکان دوستی تعبیر میشود. در معماری و طراحی از طریق قلمرو کالبدی با تمایز از نواحی و فضاهای اطراف یا جداسازی کالبدی بیان میشود. آنچه که رلف از آن به عنوان ماهیت مکان و بعدی ناآگاهانه اعالم می دارد، نوعی تجربه و ادراک مکانی از گفتمان قلمرو کالبدی داخل و بیرون را بیان مینماید که آنرا جزئی از هویت فردی میباشد. عالوه بر وی افراد دیگری نظریه تویگراس و اوزل با تأکید بر تمایز مکانی به عنوان قلمرو شناخته شده و با ابعاد کالبدی و منطق روانی شناخت مکان در ارتباط می باشد گسترش دادند. مفهومی که عمدتاً با عنوان قلمرو شناخته شده و با ابعاد کالبدی و منطق روانی شناخت مکان در ارتباط می باشد (مطلبی، ۱۹۳۳). اصطلاح پدیدارشناسی با ادموند هوسرل تبدیل به رویه ای توصیفی می گردد که بر این اساس نظماههای است که در صدد توصیف چگونگی تکوین جهان و تجربه‌مندی آن از طریق آگاهی می باشد. بر این اساس از دیدگاه پدیدارشناسی، پدیداری جهان به میزان و چگونگی ادراک و ثفات ذهن انسان و پدیدارشناسی به مراتب بازگشت به خود اشیاء برمیگردد و پدیدارشناس نظریه‌پذاری نمیکند، بلکه به ملاحظه دقیق پدیدارها و سپس توصیف آنها می پردازد، آنگونه که در نظر عاری از پیشداوری حضور میباشد. پدیدار را نیز میتوان چیزی دانست که بخودی خود ظاهر است، یعنی آنچه خود را نشان میدهد: نه از آن جهت که از چیز دیگری حکایت میکند یا مدلول چیز دیگری است. از دید هوسرل ابزار شناخت پدیدارشناسانه، شهود و بصیرت است که شهود حسی، در امور واقع و شهود مثالی، به ذوات میپردازد. در روش پدیدارشناسانه مراتبی پیشنهاد میشود که مهمترین آنها تحويل پدیدارشناسانه و تعلیق در نگرش طبیعی است که منظور از تحويل این است که تنها به صرف ماهیت اشیاء عالم نظر شود. (مومنی و دیگران، ۱۳۹۲)، از نگاه پدیدار شناسان جغرافیای انسانی، حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تاثیرگذار میان مردم و مکان و اجزاء تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش ارتباط و تعامل فرد با محیط میگردد و با گذر زمان عمق بیشتری می یابد (Relph ۱۹۷۶)، از نظر رلف مفهوم حس مکان عاملی است که از یک طرف باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است و از طرفی دیگر عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد به شمار میآید که به هویتمندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می کند. از دیدگاه پدیدارشناسان مهمترین مفاهیم مرتبط در بیان حس مکان، واژه مکان دوستی، تجربه مکان و شخصیت مکان است و حس مکان به معنای ویژگیهای غیر مادی یا شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد (Relph ۱۹۷۶) مکان مورد نظر در تعریف رلف حاصل معانی است که در طول زمان و با ادراک به دست می آید. این تعریف مفهومی از مکان مساله ای است که به بعد ناآگاهانه و ادراکی تجربه افراد اشاره دارد و از آن به عنوان حس وابستگی یا حس تعلق به مکان تعبیر میشود که حسی توان با عاطفه در مکان است. مکان در این حس به صورت ریشه دار تجربه می شود و ابعاد مختلف اجتماعی - فرهنگی را نیز در بر می گیرد. رلف از این حس به عنوان نقطه امن اتکایی فرد از دنیای اطراف خود اشاره می کند و تعلق روحی و روانی فرد به مکان خاص را نتیجه این احساس بیان می دارد. حس تعلق از سوی جغرافیدانان پدیدارشناس به نام مکان دوستی تعبیر می شود (Tuan, 1974) که در معماری و طراحی از

طریق قلمرو کالبدی، با تمایز از نواحی و فضاهای اطراف یا جداسازی کالبدی شکل می‌گیرد (Carmona, 2006). هایدگر فیلسوف پدیدارشناس اعتقاد دارد که معمار با ایجاد مکان، فرصتی به بنا میدهد که در معرض مواجهه و مراوده انسان قرار گیرد. اگر مکان به انسان اهداء شود و او نسبت به آن حس تعلق پیدا کند، آنگاه میتواند آن را به خاطر سپارد و در نهایت به آن تقرب جوید. اینگونه است که مکانیست انسان پاسخ داده مشیشود (صفایلیان، ۱۳۹۰، ۱۰۹).



نمودار ۱ - دلبستگی فیزیکی، مأخذ: اقتباس شده از (Gifford, scannel, 2010)



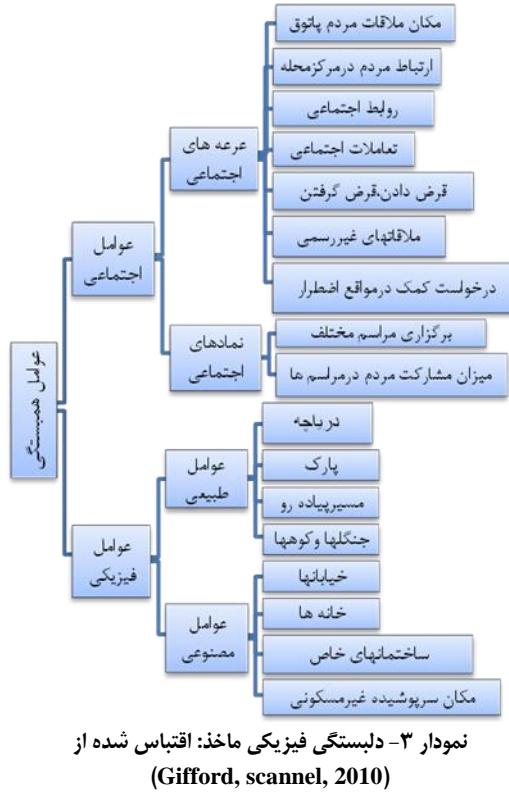
نمودار ۲- دلستگی اجتماعی، مأخذ: اقتباس شده از (Gifford, scannel, 2010)

نوشته های هایدگر پایه تفکر توریسین های مهمی در
معماری قرار گرفت که از مطرحتین آنها کریستین نوربرگ
شولتز است. شولتز حس مکان را پدیده های کلی با ارزش های
ساختماری میداند که در بستر ادرا ک و جهت یابی در فضا
ممکن می شود (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲) وی در تعریف ماهیت
مکان، آن را کلیتی شامل اشیاء، عناصر کالبدی ساخته شده و
آنچه که در واقع ماهیت یا روح مکان محسوب می شود، میداند
و ساختار مکان را شامل منظر، سکنی گرینی، فضا و شخصیت
تعریف می کند. استکل و گیفورد عوامل کالبدی (فیزیکی) را به
دو زیر بخش، شاخص های طبیعی و مصنوع، تقسیم می کنند
(scannell,Gifford,2010) فیزیکی محیط می توان به دریاچه ها، پارک ها، مسیر های
پیاده روی، جنگل ها و کوه ها (شاخص طبیعی) و خانه ها،
خیابان ها، ساختمان های خاص و مکان غیر مسکونی
سرپوشیده (شاخص مصنوع) یاد کرد. علاوه بر موارد یاد شده
به زمینه و بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرار
گیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون و
بسیاری مشخصات دیگر، از جمله مواردی هستند که در
مطالعات به آن اشاره گردیده است، می توان به عنوان عوامل
موثر بر دلیستگی مکانی نام برد.

۶- بررسی عوامل تاثیرگذار در حس مکان

اصولاً روانشناسی محیط نه تنها با بعد کالبدی مکان بلکه با بعد اجتماعی نیز سروکار دارد (Bonnes & Sechiarioli, 1995). ارتباط مثبت بین فرد و مکان کالبدی و احساس رضایت روحی او، با ارتباطات اجتماعی موجود در مکان در رابطه است (Chavis & Pretty, 1999, 635) (Chavis & Pretty, 1999, 635) همانند اسکنل و گیفورد این عامل (عامل اجتماعی) را به دو زیر شاخه عرصه و نماد اجتماعی تقسیم بنده می کنند. (scannell, Gifford, 2010) که عرصه اجتماعی شامل مکان ملاقات مردم و پاتوق ها، ارتباطات مردم در داخل و مرکز محله و روابط اجتماعی که تعاملات میان همسایگان مانند قرض دادن یا قرض گرفتن ابزار و لوازم تغهداری از بجهه ها، ملاقات های غیر رسمی، درخواست کمک در موقع اضطراری و ... را در بر می گیرد که موجب حمایت احساسی، شخصی، ابزاری و اطلاعاتی است.

نمادهای اجتماعی نیز شامل برگزاری مراسم مختلف و میزان مشارکت مردم در مراسم هاست. در میان عوامل اجتماعی، تأثیر پیوندها و روابط اجتماعی بر دلستگی به محله مسکونی حائز اهمیت است. در اکثر مطالعات، پیوندهای اجتماعی بیش بینی کننده قوی و مشتبی بوده است. (لویکا، ۲۰۱۰). روابط اجتماعی به تعاملات میان همسایگان ارجاع دارد و مواردی مانند قرض دادن یا قرض گرفتن اینبار و لوازم، نگهداری ازبچه ها، ملاقات های غیر رسمی، درخواست کمک در موقع اضطراری و ... را دربر می گیرد. از طریق این تعاملات، همسایگان یکدیگر را مورد حمایت احساسی، شخصی، ابزاری و اطلاعاتی قرار می دهند. (چاویز و واندرزمن، ۱۹۹۰: ۵۸)، همچنین نگاه کنید به آبر کرامپی، ۱۳۸۸).



نمودار ۳- دلستگی فیزیکی مأخذ: اقتباس شده از (Gifford, scannell, 2010)



نقشه ۱- موقعیت مطلق شهرستان دیواندره در کشور

از آنچه که به بیان آن پرداختیم، می‌توان نتیجه بگیریم که دلستگی مکانی به دو شاخص اجتماعی فیزیکی قابل تقسیم بندی است که هر یک زیر شاخص های برای سنجش خود دارند که در واقع توجه اصلی در مقاله، پاسخ دهی به پرسش «آیا تعیین دلستگی مکانی در محل بیشتر جسمی (فیزیکی) یا بر اساس اجتماعی است؟» که اسکنل و گیفور در مقاله‌ای با عنوان تعریف دلستگی مکانی؛ یک چارچوب سازمان یافته سه جانبه بیان کرده اند، است.

۷- موقعیت منطقه مورد مطالعه

(الف) موقعیت مطلق (ریاضی)

شهرستان دیواندره در ۴۷ درجه و ۱ دقیقه و ۲۰ ثانیه شرقی از نصف النهار گربنوج و ۳۵ درجه و ۵۴ دقیقه و ۱۷ ثانیه شمالی عرض جغرافیایی (از خط استوا) قرار گرفته است. این شهرستان با مساحتی معادل ۴۲۰۳ کیلومتر مربع در حدود ۱۵٪ درصد از وسعت استان کردستان را شامل می‌شود. از نظر موقعیت مطلق ارتفاعی شهرستان دیواندره در ارتفاع مطلق ۱۸۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است.

(ب) موقعیت نسبی

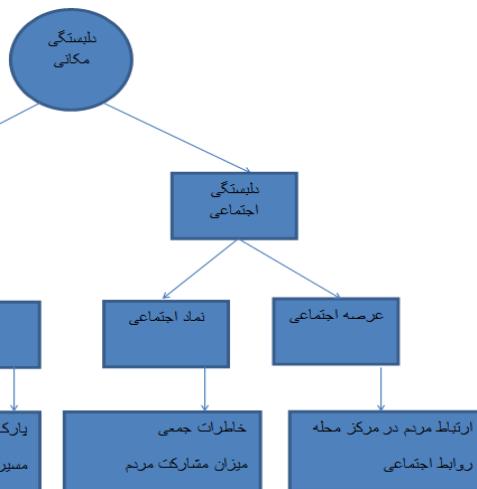
از نظر نسبی شهرستان دیواندره دقیقاً در مرکز هندسی استان کردستان قرار دارد و این مرکزیت هندسی سبب شده است که بعد فاصله جغرافیایی تمام شهرهای استان نسبت به یک مرکز در این نقطه به تعادل کشیده شود. شهر دیواندره به لحاظ موقعیت نسبی جغرافیایی در ۹۵ کیلومتری شمال شهر سنندج قرار گرفته و از شمال باتکاب از شرق با شهرستان بیجار، از شمال غربی با سقز، از غرب با مریوان و در جنوب با سنندج همسایه است.

۸- یافته‌های تحقیق

در چارچوب دیدگاه پدیدار شناسانه رلف اعتقاد دارد که یک مکان موقعی فراتر از یک فضاست که واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت و معنا باشد و در این میان، معنا را جز لاینفک این گروه میداند. (۳۶: ۱۹۷۶) Relph, رلف با بیان ارتباط ادراک با تجربه مکان، اعتقاد دارد که در حس مکان انسانها مفهومی فراتر از خصوصیات کالبدی و عناصر کالبدی در یک مکان را درک میکند و به نوعی پیوستگی و ارتباط ممتد با روح مکان را Cuthbert and Alexander,. می‌نامید. در نتیجه این سه کارکرد مورد بررسی قرار گرفته است و بر اساس آن شاخص‌های مورد نظر بررسی و تدوین شده است. برای سنجش پایایی ابزار اندازه گیری نیز از آلفای کرونباخ برای هر گویه استفاده شده، سپس میانگین نتایج برای هر هنچ‌جا بدست آمده است که به شرح زیر است: اطلاعات به دست آمده به نفعیک برای هر سوال استخراج، طبقه بندی و پس از کدگذاری و ورود اطلاعات به رایانه به وسیله نرم افزار Spss پردازش شد.

جدول ۱- آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش (ماخذ: نگارنده)

متغیر	آلفای کرونباخ	کامله انجمندی	وابستگی شانسی	دلیستگی مکانی	جوان	پیون	تذکر	اشنا	قیمت	نمودار	سازندگی	تعاملات	(ضایعه)مندی
جمع	۰/۸۰۴	۰/۷۵۰	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۶۰	۰/۵۹	۰/۳۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۰۰	۰/۷۵۰



نمودار ۴- ابعاد مورد استفاده در سنجش حس تعلق مکانی

بر اساس نتایج پرسش نامه آزمون t انجام شد و نتایج ذیل حاصل گردید:

جدول ۲- نتایج آزمون t پژوهش (ماخذ: نگارنده)

آزمون t	انحراف معیار	میانگین	شاخص
t=7/7	۸/۷۸	۳۵/۴۳	اقتصادی
s=000/0	۷/۵	۳۰/۲	اجتماعی

نتایج آزمون t نشان می دهد که در مساجد جدید احداث شهر دیواندره شاخص مسجد سازی در بعد اقتصادی قوی تر است و گویای این واقعیت است که بیشتر مساجد با دیدگاه صرفه ای اقتصادی و با هدف کمترین هزینه ساخته شده است.

۹- بررسی وضعیت شاخص های معماری اسلامی در مساجد با مدل SWOT

شناسایی و تجزیه و تحلیل هر یک از عوامل داخلی و خارجی مساجد جدید احداث منجر به تهیه فهرست نقاط قوت و ضعف (ناشی از تجهیز و تحلیل عوامل داخلی) و فرصتها و تهدیدها (ناشی از تجزیه و تحلیل عوامل خارجی) خواهد شد.

نقشه قوت (S): موردي است که محل در صورت داشتن آن از امتیاز مثبت و توانایی قبل ملاحظه ای برخوردار خواهد شد.

نقشه ضعف (W): موردي است که محل در صورت داشتن آن از امتیاز منفی و عدم توانایی برخوردار خواهد شد.

فرصت (O): پتانسیل نهفته ای است که بهره گیری از آن محله را در جهت مثبت رشد خواهد داد و استفاده از آن مزایای قابل ملاحظه ای برای محل خواهد داشت. به عبارت دیگر منفعت بالقوه ای است که عوامل بالفعل شدنش هنوز بوجود نیامده است.

تهدید (T): بر عکس فرصت، عاملی است که مانع حرکت، رشد و بالندگی توسعه محله می شود. عبارت دیگر ضرر بالقوه ای است که عوامل بالفعل شدنش هنوز به وجود نیامده است.

روش تجزیه و تحلیل SWOT مدل تحلیلی مختصر و مفیدی است که به شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدها را شناسایی کرده و استراتژیهای متناسب با موقعیت کنونی حرفه مورد بررسی را منعکس می سازد. در این روش

تلاشهایی برای تجزیه و تحلیل شرایط بیرونی و وضعیت درونی بعمل آمده و بر اساس آن استراتژی مناسب برای بقاء محله طراحی می شود. در این مدل فرصتها و تهدیدها نشان دهنده چالشهای مطلوب و یا نامطلوب عمدہ ای است که در محیط فضایی محله وجود داشته و در مقابل، قوتها وضعفها (شایستگی ها، توانایی ها، مهارتها، کمبودها) وضعیت محیط داخلی تشکیلات مورد مطالعه را به نمایش می گذارد.

پس از اینکه عوامل محیطی (فرصتها و تهدیدها) و عوامل درونی (قوتها و وضعفها) شناسایی شده و عوامل کلیدی آنها از غیرکلیدی تمیز داده شد، زمان انتخاب و پیشنهاد استراتژیها فرا می رسد.

مدل SWOT در حالت معمولی مشکل از یک جدول مختصاتی دو بعدی است که هر یک از چهار نواحی آن نشانگر یک دسته استراتژی می باشد، به عبارت دیگر همواره چهار دسته استراتژی در این مدل مطرح می گردد، این استراتژیها عبارتند از:

راهبردهای حداکثر استفاده از فرصتها محیطی با بکارگیری نقاط قوت (ناحیه ۱)

(استراتژی های SO)

راهبردهای استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از مواجهه با تهدیدها (ناحیه ۲)

(استراتژیهای ST)

راهبردهای استفاده از مزیتهای بالقوه ای که در فرصتها محیطی نهفته است برای جبران نقاط ضعف موجود (ناحیه ۳)

(استراتژیهای WO)

راهبردهایی برای به حداقل رساندن زیانهای ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (ناحیه ۴)

(استراتژیهای WT)

جدول تجزیه و تحلیل SWOT برای مساجد جدید الاحاد

عوامل داخلی عوامل محیطی فهرست قوتها (S) فهرست ضعفها (W)

فهرست فرصتها (O) ناحیه ۱

استفاده از فرصتها با استفاده از نقاط قوت (SO) ناحیه ۲

از مزیتهایی که در فرصت نهفته است استفاده نمایم برای جبران نقاط ضعف (WO)

فهرست تهدیدها (T)

ناحیه ۳

استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدها

(ST) ناحیه ۴

به حداقل رساندن زیانهای ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف

(WT)

در این تحلیل پرسش های زیر مطرح می شود :

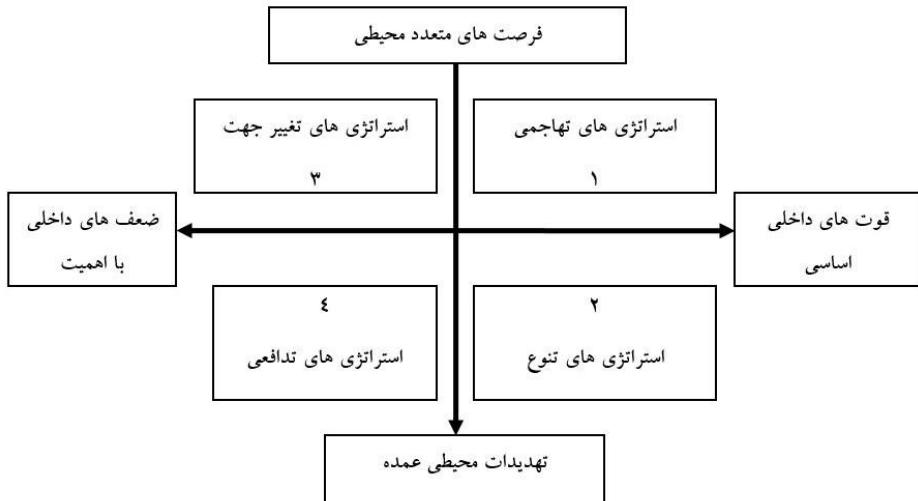
- ۱ - چه فرصتها محیطی عمدہ ای برای ما وجود دارد؟
- ۲ - با چه تهدیدهای عمدہ خارجی مواجه هستیم؟
- ۳ - نقاط قوت عمدہ داخلی ما چه مواردی است؟
- ۴ - وضعیهای عمدہ داخلی ما چه هستند؟

در مدل SWOT پس از لیست کردن هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدها و نوشتن آنها در سلولهای مربوط به خود، از محل تلاقی هر یک از آنها استراتژیهای مورد نظر حاصل می شود، بنابراین همواره این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی، ST, WO, SO, WT می شود.

مواجهه دادن عوامل اصلی داخلی و خارجی و تدوین استراتژیهای ST, WO, SO، از مشکلترين بخشهاي تهيه ماتریس SWOT می باشد و به قضاوت و قدرت تجزیه و تحلیل خوبی نياز دارد. در اجرای استراتژیهای SO مساجد جدید الاحاد استفاده از نقاط قوت داخلی می کوشد از فرصتها خارجی حداکثر بهره برداری را نماید.

هدف از استراتژیهای WO این است که مساجد جدید الاحاد از مزیتهایی که در فرصتها نهفته است استفاده نماید در جهت جبران نقاط ضعف، گاهی در خارج از محل فرصتها بسیار مناسبی وجود دارد، ولی محل به سبب داشتن ضعف داخلی نمی تواند از این فرصتها بهره برداری نماید. هر محل در اجرای استراتژیهای ST می کوشد تا با استفاده از نقاط قوت داخلی خود برای جلوگیری از تأثیر منفی تهدیدات خارجی بر سازمان سازوکارهایی را در پیش بگیرد و یا تهدیدات را از بین ببرد. هدف سازمان در اجرای استراتژیهای WT کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است. سازمانی که بیشترین عواملش در این خانه متمرکز باشد وضعیت مناسبی نداشته و در موضع مخاطره آمیزی قرار خواهد گرفت. در چنین حالتی سازمان استراتژیهای مختلفی از قبیل واگذاری، کاهش عملیات و ... را برمی گزیند و در هر صورت سازمانها سعی می کنند از جنین وضعیتی پرهیز نمایند.

نمودار ۵- تجزیه و تحلیل SWOT برای مساجد جدید الاحادث شهر دیواندره (ماخذ: نگارنده)



جدول ۳- ماتریس اولویت بندی عوامل داخلی (ماخذ: نگارنده)

اثر بر عملکرد یا قابلیت رقابتی				میزان اهمیت
کم	متوسط	زیاد		
اولویت بالا	اولویت بالا	اولویت بالا	زیاد	
اولویت پایین	اولویت متوسط	اولویت بالا	متوسط	
اولویت پایین	اولویت پایین	اولویت متوسط	کم	

جدول ۴- ماتریس اولویت بندی عوامل خارجی (ماخذ: نگارنده)

اثر احتمالی				احتمال وقوع
کم	متوسط	زیاد		
اولویت متوسط	اولویت بالا	اولویت بالا	زیاد	
اولویت پایین	اولویت متوسط	اولویت بالا	متوسط	
اولویت پایین	اولویت پایین	اولویت متوسط	کم	

جدول ۵- ماتریس SWOT (ماخذ: نگارنده)

نقاط ضعف W	S نقاط قوت	SWOT
فهرست نقاط قوت	فهرست نقاط قوت	
استراتژی های WO	استراتژی های SO	فرصتها
با فرستنها نقاط ضعف را از بین ببرید	با نقاط قوت از فرستنها استفاده کنید	فهرست فرصتها
استراتژی های WT	استراتژی ST	تهدیدات
نقاط ضعف را کاهش دهید و از تهدیدات پرهیزید.	برای احتراز از تهدیدات از قوتها استفاده کنید.	فهرست تهدیدات

جدول ۶- نقاط قوت (Strengths) و نقاط ضعف (Weaknesses) (ماخذ: نگارنده)

ضعف ها	شماره	قوت ها	شماره
کیفیت پایین طراحی	۱	تازه ساخت بودن	۱
کم اثر بودن عناصر معنویت بخش	۲	استحکام	۲
نداشتن نظم هندسی	۳	زیبایی	۳
نداشتن جذابیت معنوی	۴	نزدیکی به محلات شهر	۴
آلودگی صوی	۵	شب مناسب	۵
آلودگی بصری	۶	وسعت مناسب	۶
مکانیای نا مناسب	۷	توبوگرافی مناسب	۷
		راه دسترسی مناسب	۸
		داشتن شعاع جمعیت مناسب	۹

۹-۱- عوامل خارجی مؤثر بر کیفیت مساجد نوین (جدید الاحادث)

مساجد مهمترین بناهای مذهبی شهرهای اسلامی هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته‌اند. اجتماع در مسجد، سبب محبت و الفت دلها و تحکیم پیوندها و روابط و آگاه شدن از حال یکدیگر و تبادل افکار در مسائل دینی و دنیاگی و همدردی در غم و شادی یکدیگر است لذا حضور بیشتر مردم در مسجد موجب افزایش تعاملات اجتماعی است. بطور کلی یکی از عواملی که موجب اشتیاق مضافع انسان به حضور در اماكن عمومي می شود زيباگي آن و راحتی و آسودگی وی در آنجاست. مسجد نيز از اين نظر مستثنی نیست. هدف اين مرحله کند و کاو آثار محظوظ خارجي بر کیفیت مساجد جهت شناسايي فرصتها و تهديدهای است که اين مسجد با آن مواجه است. در اين راستا باید گفت که فرصتها، مجموعه امکانات و قابلیت هایی است که خارج از مساجد بر کیفیت هر مسجد مؤثر واقع می شوند و همچنین تهدیدها نيز مجموعه عوامل خارج از مساجد محسوب می شوند که در عدم کیفیت مساجد تأثیرات مستقیم و غير مستقیم دارند. بر اساس مطالعات انجام شده مجموعه فرصتها و تهدیدهای موجود و مؤثر بر اقتصاد که به صورت زير قابل ترسیم می باشند:

جدول ۷- فرصتها (Opportunities) و تهدیدها (Threats) (مأخذ: نگارنده)

تهدیدها	شماره	فرصتها	شماره
دوری مردم از مساجد	۱	تمکیل شدن ظرفیت مساجد	۱
وجود های نامتناسب در کنار مساجد	۲	تنوع بخشی به کارکرد های مسجد	۲
نشاشن آینده نگری در مساجد	۳	توجه به پژوهش های دینی در طراحی مساجد	۳
دوری مسجد از کارکرد و رسالت اصلی خود	۴	جذب جوانان	۴
پایین آمن حس تعلق مکانی	۵	نقش محله محوری مساجد	۵
پایین آمن حس معنویت در معماری مساجد	۶		۶

جدول ۸- جدول تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS)

برنامه ریزی			امتیاز وزنی	درجه بندی	وزن	عوامل
بلند مدت	میان مدت	کوتاه مدت				
*	*		۰/۷۲	۴	۰/۱۸	=S1 اهمیت مسجد در زمدگی مردم
*		*	۰/۶۸	۴	۰/۱۷	=S2 وجود جوانان علاقمند
		*	۰/۲۷	۳	۰/۰۹	=S3 انجام تحقیق در مورد اهمیت مساجد
*		*	۰/۲۷	۳	۰/۰۹	=S4 نزدیکی به محلات شهر
*		*	۰/۲۷	۳	۰/۰۹	=S5 شب مناسب ساخت مساجد
*	*		۰/۲۷	۳	۰/۰۹	=S6 وسعت اراضی مناسب مساجد
		*	۰/۳۶	۴	۰/۰۹	=W1 کیفیت پایین مصالح در ساخت مساجد
		*	۰/۳۲	۴	۰/۰۸	=W2 وجود کاربری های نامطلوب با مسجد
		*	۰/۳۲	۴	۰/۰۸	=W3 ناششن طرح معماري مناسب
*	*		۰/۲۸	۴	۰/۰۷	=W4 ناششن خلاقیت در طراحی
		*	۰/۲۸	۴	۰/۰۷	=W5 عدم شناسایی و اهمیت به ظرفیت های موجود
*		*	۰/۶۴	۴	۰/۱۶	=O1 اقتصادي نگریستن به ساخت مسجد
*		*	۰/۴۸	۴	۰/۱۲	=O2 انگیزه های معنوی جوانان
		*	۰/۴۴	۴	۰/۱۱	=O3 توجه به پژوهش های مسجد محور
		*	۰/۴۴	۴	۰/۱۱	=O4 نقش اجتماع محوری مساجد
		*	۰/۵۴	۴	۰/۱۴	=T1 عدم توجه به اهمیت استحکام و زیبایی
*		*	۰/۵۲	۴	۰/۱۳	=T2 وجود کاربری های نامطلوب
*		*	۰/۳۶	۳	۰/۱۲	=T3 آلودگی صوتی
*		*	۰/۳۳	۳	۰/۱۱	=T4 آلودگی بصری

۱۰- مطالعات میدانی مساجد شهر دیواندره

برای بررسی شاخص های معماری مساجد تعداد ۱۰ مسجد نوین شهر دیواندره مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از : مسجد امام شافعی(شهرک روحانی)، مسجد جامع، مسجد خاتم الانبیا (محله چهار باغ)، مسجد صلاح الدین ایوبی (شهرک گلشن)، مسجد خلفای راشدین(فاز ۱)، مسجد بلال حبشه، فاز ۲، مسجد حضرت عمر فاز ۳، مسجد حضرت ابوبکر صدیق (شهرک اندیشه) مسجد امام و مسجد حضرت رسول.

جدول ۹- بررسی نمونه مساجد نوین شهر دیواندره - تنظیم: نگارنده، ۱۴۰۰

نمونه موردی	مساجد	نمونه موردی	مساجد
	مسجد صلاح الدین ایوبی (گلشن)		مسجد امام شافعی
	مسجد بلال حبشه		مسجد جامع
	مسجد ابوبکر صدیق شهرک اندیشه		مسجد خاتم الانبیا، محله چهار باغ

جدول ۱۰- مقایسه مساجد از نظر معیارهای معماری اسلامی (ماخذ: محاسبات نگارنده ۱۴۰۰)

ردیف	نام مسجد	درصد بکار گیری شاخص های حس مکانی معماری اسلامی	اولویت	توضیحات
۱	مسجد امام شافعی	۵۵	۱	
۲	مسجد حضرت ابوبکر صدیق (شهرک اندیشه)	۵۱	۲	
۳	مسجد جامع	۴۴	۳	
۴	مسجد صلاح الدین ایوبی (شهرک گلشن)	۴۲	۴	
۵	مسجد امام	۴۰	۵	
۶	مسجد بلال حبشه، فاز ۲	۳۸	۶	
۷	حضرت رسول	۳۵	۷	
۸	مسجد خلفای راشدین(فاز ۱)	۳۳	۸	
۹	مسجد حضرت عمر فاز ۳	۳۰	۹	
۱۰	مسجد خاتم الانبیا(محله چهار باغ)	۲۸	۱۰	

۱۱- نتیجه گیری

با بررسی مساجد ده گانه متوجه می شویم که میزان رعایت شاخص های حس مکان و معنویت مساجد در وضعیت مناسبی نیست و تنها ۲ مسجد نمرات بالای ۵۰ را از ۱۰۰ دریافت نموده اند در جدول فوق مقایسه مساجد ده گانه آورده شده است که مسجد امام شافعی در رتبه ۱ قرار گرفته و به نسبت مقداری از شاخص های اعتلای حس معنویت مکان در آن رعایت شده است. نتایج نشان می دهد شاخص های خلوت و آرامش، نورگرایی، وسعت، فضاسازی محیطی، مکانیابی مناسب، الگوی مجاورت، همسویی با کاربری های مجاور، ارتباط با مردم، رنگ گرایی و نماد گرایی از مهمترین مؤلفه های ارتقای حس معنویت مسجد می باشند که در معماری مساجد باید به آن توجه شود. نتایج تحلیل SWOT نیز حاکی از آن است که دید اقتصادی دیدگاه

حاکم بر ساخت مساجد بوده و این یک تهدید برای حس مکان مساجد می باشد. با تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدید ها می توان نقاط قوت را در طراحی آثار آتی تقویت نمود و با تأکید بر اصول فوق می توان حس معنویت مکان مسجد را ارتقا بخشد.

منابع

۱. احمدی فرزانه و همکاران(۱۳۹۵) عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی بافت مسکونی اطراف خرم حضرت امام رضا (ع) محله نوغان مجله علمی پژوهشی هفت شهر، شماره ۴۷
۲. بزی، خدارحم(۱۳۹۳) و همکاران، بررسی مقایسه یا حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم آباد مجله معماری شهر پایدار
۳. حیدری علی اکبر و همکاران(۱۳۹۳)، تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه های سنتی و مجتمعهای مسکونی امروزی نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۹ شماره ۳
۴. حقیقت بین(۱۳۹۳) بررسی تاریخی خیابان چهارباغ مشهد در عصر صفویه، پژوهشها تاریخی، ص ۴۱-۴۳
۵. اهری، زهرا،(۱۳۹۲) خیابان چهارباغ مفهومی نواز فضای شهری، گلستان هنر، شماره ۱
۶. جافرمن و دیگران (۱۳۹۲) خیابان چهارباغ محور پایدار شهری اصفهان صفوی، همايش معماری پایدار و توسعه شهری، ص ۴-۱۶
۷. حق، محمدرضا(۱۳۹۲) شناسایی عوامل تبیین کننده کیفیت فضاهای شهری، نمونه مطالعاتی خیابان چهارباغ عباسی، همايش معماری پایدار و توسعه شهری، ص ۳-۹
۸. داشپور، سیدعبدالهادی و دیگران(۱۳۸۸) جایگاه دانش روانشناسی محیطی در ساختمانهای بلند مرتبه با رویکرد معماری پایدار «، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره پنجم، پائیز و زمستان، صص ۳۸-۲۹
۹. دانشگر مقدم، گلرخ و دیگران(۱۳۹۰) تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متاثر از درک طبیعت در محیط انسان ساخت»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵، بهار، صص ۳۸-۲۷
۱۰. سجادزاده، حسن(۱۳۹۲) «نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به میدان های شهری» باغ نظر، شماره ۲۵، سال دهم، تابستان : ۸۸-۷۹
۱۱. سجادزاده و پیربابایی، حسن و محمد تقی (۱۳۹۰) «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی» باغ نظر، شماره ۱۶، سال هشتم، بهار ۱۷۲۸
۱۲. داشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۸)، «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن» نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، تابستان : ۳۷-۴۸
۱۳. رحیم رهنما و رضوی، محمد و محمد محسن، (۱۳۹۱) «بررسی تاثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد» نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲۹، تابستان ۳۶-۲۹
۱۴. سجادزاده، حسن (۱۳۹۲) «نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به میدان های شهری» باغ نظر، شماره ۲۵، سال دهم، تابستان : ۸۸-۷۹
۱۵. سجادزاده و پیربابایی، حسن و محمد تقی (۱۳۹۰) «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی» باغ نظر، شماره ۱۶، سال هشتم، بهار ۱۷۲۸
۱۶. فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵) «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن» نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۶، تابستان ۶۶۵۷
۱۷. دالور، علی (۱۳۸۰) «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»، تهران: انتشارات رشد
۱۸. سرمست، بهرام (۱۳۸۹) بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان
۱۹. رحیم رهنما و رضوی، محمد و محمد محسن، (۱۳۹۱) «بررسی تاثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد» نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲۹، تابستان ۳۶-۲۹
۲۰. علی نیا، فاطمه و جباریان، فاطمه(۱۳۹۴) بررسی حس تعلق به مکان در خیابان چهارباغ اصفهان با رویکرد پدیدارشناسی
۲۱. مومنی، سیما (۱۳۹۲) پدیدار شناسی مکان و احیای مکان فدا، همايش سالنه ساختمان آينده، ص ۲
۲۲. حجت، عيسی (۱۳۹۱) زیبایی شناسی تطبیقی حس مکان و حس تعلق در فضای شهری، نشریه پژوهش هنر ص ۱۱
۲۳. فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵) «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن» نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۶، تابستان ۶۶۵۷

۲۴. کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۸۹) «بررسی مفهومی و کارکردی دلستگی مکانی» منظر، شماره ۱۲، دی و بهمن ۱۶۲۱
۲۵. لالی و مدیری، پریسا و اتوسا (۱۳۹۱) «تبیین نقش مولفه معنا در فرایند شکل گیری حس مکان» نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان: ۴۳ ۵۱
۲۶. وارثی، حمیدرضا (۱۳۸۹) «بررسی و تحلیل مولفه های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید» مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، شماره دوم، سال اول، پاییز ۱۷ ۳۶
27. Billing, M. (2006) Is my home my castle? Place attachment,risk perception, and religious faith. Environment and Behavior, 38, 248-265.
28. Bonaiuto, M., Fornara, F. and Bonnes, M. (2002), Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments:a confirmation study on the city of ---Rome,Landscape and Urban Planning, 988, 1_12.
29. Bonnes,M,Secchiaroli,G(1995), Environmental Psychology:A Psychosocial Introduction,London,Sage.
30. Chavis,D.M.AND Pretty,G. (1999),Sense of community;Advances in measurement and application, Journal of Community Psychology,27:6,pp.635-642.
31. Eisenhauer, B.W.,Krannich, R.S.and Blahna, D.J. (2000),Attachment to special places on public lands :An analysis of activities,reason for attachment, and community connection,Society and Natural Resources,13,pp.421-441.
32. Fried,M.and Gieicher,P. (1961),Some sources of satisfaction in an urban slum,Journal of Environmental Planners,27,305-315.
33. Giuliani,M,Ferran,F,&Barabotti,S. (2003).one attachment or more?Ashland.OH:Hogrefe & Huber.
34. Handel,P,Barling,P.and Morrissy,E. (1981),Development of perceived and preferred measures of physical and social characteristics of the residential environment their relationship and satisfaction,Jornal of Community Psychology,9,pp.118-124.
35. Hidalgo,M.C.& Hernandez,B. (2001),Place attachment :Conceptual and empirical question,Jounal of environmental Psychology,21,pp.273-281.
36. Hummon,D. (1992), Community attachment :local sentiment and sense of place,In I.Altman and -S.Low (Eds), place Attachment, New York,Plenum.
37. Kyle,G., et al. (2004).Effects of plae attachment on users.perceptions of social and environment conditions in a natural setting. Journal of environment psycology,(24); 213_225